



افکاری چند راجع به تربیت اخلاقی

عبدالمجید انصاری
وزیر اسبق امور خارجه
و رئیس سابق هیئت
مدیره و مدیر عامل
شرکت ملی نفت ایران

را فرا گرفته بود ولی از حیث معنویات قوی بود در صورتی که امروز آمریکا از نظر ثروت در اوج ترقی است ولی از نظر معنویات راه انحطاط می‌یابند. این گرفتاری تنها با اختصاص ندادن هر کثوری که از نظر اقتصادی مرهف شد مسائل اخلاقی را زیر پا می‌گذارد.

فکر دیگران را کنار بگذاریم به درد خودمان برسیم. ما عادت کرده‌ایم که آرزوهای خود را با مقدور انسان وفق ندیمیم طالب چیزهایی بنویسیم که توانایی دست‌یابی به آنرا نداریم در نتیجه باین آرزوهای انجام نشده در ما ایجاد عقده خواهد کرد و بالاخره به ناخوشی و بدبختی منجر می‌شود یا اینکه برای وصول به مطلوب از راه صواب منحرف می‌شویم. تجمل پرستی در ما، چه در افراد و چه در دستگاههای دولتی بحدی رسیده که من از عساکت آن هر اساکم هر فردی چه مرد و چه زن می‌خواهد از راه هم‌چشمی از همگان سقت جوید و پیش از عایدات مشروعتش سراغ تجمل برود هر رئیس یا مدیر کلی می‌خواهد که آئانه دقتش از مال رقیب برانده تر باشد.

برخی تصور میکردند که ورزش وسیله‌ای است که روح رقابت‌سالام را در افراد ایجاد میکند متأسفانه از این راهم بنوی مقصود نزدیک نمی‌شود خارج کردن چند نفر قهرمان ورزشی نشانه این بی‌انظباطی است - ورزشکار باید بفهمد که هر قدر هم که جسم قوی شده به پای

جمع مخارج سالیانه این میسیونها را با نتایج بدست آمده تاجر و امیر مقایسه کنیم آیا تمام این مخارج ضرورت دارند، نفع کشور هست یا نه؟ چون اعداد و ارقام بدست ندارم نمیتوانم نظری قطعی اظهار کنم ولی از روی عقل سلیم میتوان حدس زد که بسیاری از این میسیونها جنبه تشریفاتی دارد و مخارجی که برای آن میشود با بازدهی که بدست می‌آید مناسب نیست.

در آن دوران قدیم پول کمیاب بود دولت همیشه در عسرت بسر میرید حقوق مامورین چندین ماه به تعویق می‌افتاد و حتی یک بار از بابت حقوق عقب افتاده معلمین مدارس دولت بآنها آجر داد - این آجرها بابت عشرتهای ای بود که کوردهیزان به دولت در عوض مالیات میدادند - بخاطر دارم که اغلب معلمین به شاگردان متصل میشدند که اگر بنای دارد آجر بآنها را بخرد.

حالا زمانه شدن عایدات چینی برای دولت و چه برای مردم ما رابه ولخرجی و گشاد بازی و تجمل پرستی و ادا کرده است و این رویه‌ای است که برای هر ملتی خطرناک است. سوابق تاریخی آن شاهد آشکاری است.

نیکسون رئیس جمهوری آمریکا در یکی از نطقهای اولیه خود عطشی گفت که بسیار بر معامت وی گفت وقتی روز ولت زمام ریاست جمهوری را بدست گرفت مملکت از نظر اقتصادی حالتی آشفته داشت و رکود سرابای کشور

خود در کنگره جهانی فرستاده بودند. باری کنگره در واشنگتن بانطق رئیس جمهور وقت کولین افنتاح شد سپس نمایندگان بهفیلادلفی رفتند و بعد هم یک هفته در سیراکوز بکارهای خود پرداختند - در حدود هزار و دویست نفر کارشناس از تمام کشورهای جهان آمده بودند و در کمیته‌ها و کمیسیون‌ها مشغول بکار شدند (هنوز سمنار نداننده بود) - من چون به کارهای علمی و عملی که مورد بحث بود و قوفی نداشتم کمتر در آن شرکت میکردم و بیشتر به برنامه‌های گردش و تفریح که ترتیب میدادند میرداختم و با آنها هم که آشنا میشدم میگفتم چون وقت کم بود دولت ما نتوانست نماینده کاراگاه اعزام دارد من فقط بعنوان دیپلمات و سیاهی لشکر شرکت کرده‌ام گاهی هم که بعضی از نمایندگان از من سؤالاتی میکردند به همین عذر از جواب طفره میرفتیم این مسافرت و نمایندگی برای دولت در حدود صد دولار خرج برداشت.

از آن زمان تا بحال که قریب نیم قرن میگذرد اوضاع بسیار تغییر کرده است - حالا در سال ما صدها میسیون‌های مختلف گاهی با عده‌های زیاد باطراف و اکناف جهان گسیل میداریم یا در تهران سمنار و کنگره موسمیوزیم تشکیل میدیمیم و از دولتهای دنیا نماینده دعوت میکنیم.

محل تردید نیست که بعضی از این میسیونها مشرفتر است و فواید و نتایجی از آن بدست می‌آید ولی از خود میپرسیم که اگر

در چیل و پنج سال پیش مرحوم حسین علاء در واشنگتن وزیر مختار بود و من هم در آنجا سمت دبیری سفارت داشتم. روزی از وزارت امور خارجه امریکا نامه‌ای سفارت ایران رسید که دولت ایران را برای چند ماه بعد به کنگره‌ای که برای امور دامداری و محصولات شیری تشکیل میشد دعوت کرده بودند. این دعوت نامه برای کلیه دول جهان ارسال شده بود - سفارت موضوع را بدولت ایران اطلاع داد و متعاساً نبود که نماینده یا نمایندگان باین کنگره اعزام دارند. پس از چندی جواب رسید که چون اعزام نماینده غیر نیست خوب است یکی از کارمندان سفارت بسمت نمایندگی معرفی شود. مرحوم علاء هم مرا نامزد نمایندگی کردند. با ایشان گفتیم چون من از موضوع هیچ اطلاعی نداشتم خوب است از وزارت خارجه بخواهیم که اطلاعات کاملی برای ما بفرستند که اگر لازم شد باستحضار کنگره برساییم. همینطور هم عمل شد جوابی از وزارت خارجه رسید که رونوشت نامه وزارت فوائد عامه را برای ما فرستاده بودند - تا آن حد که حافظه من یاری میکند جواب از این قرار بود.

« شیر را گرم میکنید مایه میزاید ماست میشود، ماست را هم با دو برابر آب مخلوط میکنید دوغ میشود، دوغ را میزنند از آن کره میگیرند - مایه را می‌جوشانند کتک میشود بعد هم کار دیگری که فراموش کرده‌ام انجام میدهند و فرقه فروت بدست می‌آید - این بود اطلاعاتی که برای نماینده

